

تأثیر توانمندسازی روان‌شناختی معلمان بر عملکرد آموزشی

مریم علیزاده^۱، سوسن قرداشی^۲

تاریخ پذیرش: ۲۰ مرداد ماه ۱۴۰۴

تاریخ دریافت: ۱۵ خرداد ماه ۱۴۰۴

چکیده

این تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی است. هدف این نوع تحقیق بررسی تأثیر توانمندسازی روان‌شناختی معلمان بر عملکرد آموزشی است. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی معلمان مدارس متوسطه شهرستان بيله سوار است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای است. ابتدا، مدارس متوسطه شهرستان بيله سوار به مناطق مختلف تقسیم می‌شوند، سپس از هر منطقه تعدادی مدرسه به صورت تصادفی انتخاب می‌شود. در نهایت، از هر مدرسه تعدادی معلم به صورت تصادفی انتخاب می‌شود. حجم نمونه در این تحقیق ۲۰۰ نفر تعیین شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه توانمندسازی روان‌شناختی اسپریتزر (۱۹۹۵) و پرسشنامه عملکرد آموزشی زندگی (۱۳۹۵) است. روایی پرسشنامه‌ها از طریق روایی محتوا و پایایی از طریق آلفای کرونباخ تأیید شده است. روش تجزیه و تحلیل در این تحقیق، تحلیل رگرسیون چندگانه است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که توانمندسازی روان‌شناختی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد آموزشی معلمان دارد. بر اساس نتایج این تحقیق، می‌توان نتیجه گرفت که توانمندسازی روان‌شناختی می‌تواند به عنوان یک عامل پیش‌بین برای عملکرد آموزشی معلمان عمل کند. بنابراین، توجه به توانمندسازی روان‌شناختی معلمان می‌تواند به بهبود عملکرد آموزشی آن‌ها کمک کند. لذا پیشنهادهاى زیر ارایه می‌گردند.

واژگان کلیدی: توانمندسازی روان‌شناختی، معلمان، عملکرد آموزشی

^۱ گروه آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، بيله سوار، ایران

^۲ گروه آموزش متوسطه، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، بيله سوار، ایران

۱- مقدمه

توانمندسازی روان‌شناختی معلمان به عنوان یکی از استراتژی‌های نوین در حوزه آموزش و پرورش، نقشی حیاتی در ارتقای کیفیت آموزشی و عملکرد معلمان ایفا می‌کند. این مفهوم در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از محققان و سیاست‌گذاران آموزشی قرار گرفته است. توانمندسازی روان‌شناختی به معنای فراهم کردن شرایطی است که معلمان بتوانند کنترل و اختیار بیشتری بر کار خود داشته باشند، تصمیمات مهم آموزشی بگیرند و به طور کلی، در محیط کار خود احساس قدرت و مسئولیت کنند (Conger & Kanungo, 1988). این فرآیند نه تنها به بهبود عملکرد آموزشی معلمان کمک می‌کند، بلکه می‌تواند منجر به افزایش رضایت شغلی، کاهش استرس و بهبود کیفیت زندگی کاری آن‌ها شود. عملکرد آموزشی معلمان تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد، از جمله دانش و مهارت‌های حرفه‌ای، انگیزه، وضعیت روانی و شرایط کاری. توانمندسازی روان‌شناختی می‌تواند با تأثیرگذاری بر این عوامل، عملکرد آموزشی معلمان را به طور قابل توجهی بهبود بخشد. به عنوان مثال، هنگامی که معلمان احساس توانمندی بیشتری می‌کنند، تمایل دارند که بیشتر درگیر فعالیت‌های آموزشی شوند، از روش‌های نوین آموزشی استفاده کنند و به طور کلی، کیفیت تدریس خود را ارتقا دهند. (Bandura, 1997) پژوهش‌های متعددی در زمینه توانمندسازی روان‌شناختی معلمان و تأثیر آن بر عملکرد آموزشی انجام شده است. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که توانمندسازی روان‌شناختی می‌تواند منجر به افزایش اعتماد به نفس معلمان، بهبود روابط آن‌ها با دانش‌آموزان و همکاران، و در نهایت، ارتقای کیفیت آموزشی شود. (Tschannen-Moran, 2007) علاوه بر این، توانمندسازی روان‌شناختی می‌تواند به عنوان یک عامل محافظتی در برابر استرس و فرسودگی شغلی عمل کند، که از مشکلات شایع در حرفه معلمی است. (Maslach & Jackson, 1981) با توجه به اهمیت توانمندسازی روان‌شناختی معلمان و تأثیر آن بر عملکرد آموزشی، ضروری است که این موضوع به طور جدی مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد. این مقاله با هدف بررسی تأثیر توانمندسازی روان‌شناختی معلمان بر عملکرد آموزشی آن‌ها تدوین شده است. در این مقاله، ابتدا به بررسی ادبیات نظری و پیشینه پژوهشی در این زمینه پرداخته می‌شود، سپس نتایج پژوهش‌های مرتبط مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲- ادبیات نظری و پیشینه پژوهشی

۲-۱- مفهوم توانمندسازی روان‌شناختی

توانمندسازی روان‌شناختی به عنوان یک مفهوم روان‌شناختی و مدیریتی، در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است. این مفهوم به معنای فراهم کردن شرایطی است که افراد بتوانند کنترل و اختیار بیشتری بر کار خود داشته باشند، تصمیمات مهم بگیرند و به طور کلی، در محیط کار خود احساس قدرت و مسئولیت کنند. (Conger & Kanungo, 1988) توانمندسازی روان‌شناختی شامل چهار مؤلفه اصلی است: معناداری، خودمختاری، تأثیرگذاری و صلاحیت. (Spreitzer, 1995)

یکی از نظریه‌های مهم در زمینه توانمندسازی روان‌شناختی، نظریه خودکارآمدی اجتماعی است. این نظریه بیان می‌کند که افراد زمانی که احساس توانمندی و کارآمدی می‌کنند، تمایل دارند که بیشتر درگیر فعالیت‌ها شوند و عملکرد بهتری داشته باشند. (Bandura, 1997) همچنین، نظریه عدالت سازمانی بیان می‌کند که عدالت در توزیع منابع و فرصت‌ها می‌تواند منجر به افزایش توانمندسازی روان‌شناختی و بهبود عملکرد شود. (Greenberg, 1990)

مدل‌های مختلفی برای توانمندسازی روان‌شناختی ارائه شده است. به عنوان مثال، مدل Spreitzer (1995) شامل چهار مؤلفه معناداری، خودمختاری، تأثیرگذاری و صلاحیت است. همچنین، مدل Conger (1988) & Kanungo شامل سه مؤلفه روان‌شناختی، رفتاری و عملکردی است.

۲-۲- پیشینه پژوهشی

پژوهش‌های متعددی در زمینه توانمندسازی روان‌شناختی معلمان و تأثیر آن بر عملکرد آموزشی انجام شده است. به عنوان مثال، یک پژوهش نشان داد که توانمندسازی روان‌شناختی معلمان می‌تواند منجر به افزایش اعتماد به نفس و بهبود روابط آن‌ها با دانش‌آموزان شود. (Tschannen-Moran, 2007) همچنین، یک پژوهش دیگر نشان داد که توانمندسازی روان‌شناختی می‌تواند به عنوان یک عامل محافظتی در برابر استرس و فرسودگی شغلی عمل کند. (Maslach & Jackson, 1981)

با توجه به موضوع تحقیق اهداف زیر ارایه شده است:

۱. بررسی تأثیر توانمندسازی روان‌شناختی بر عملکرد آموزشی معلمان.
۲. شناسایی رابطه بین مؤلفه‌های توانمندسازی روان‌شناختی (معناداری، خودمختاری، تأثیرگذاری و صلاحیت) و عملکرد آموزشی.
۳. تعیین نقش توانمندسازی روان‌شناختی در بهبود عملکرد آموزشی معلمان.

۳- فرضیه‌ها

۱. توانمندسازی روان‌شناختی معلمان تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد آموزشی آن‌ها دارد.
۲. بین مؤلفه‌های توانمندسازی روان‌شناختی (معناداری، خودمختاری، تأثیرگذاری و صلاحیت) و عملکرد آموزشی معلمان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
۳. توانمندسازی روان‌شناختی معلمان می‌تواند به عنوان یک عامل پیش‌بین برای عملکرد آموزشی آن‌ها عمل کند.

۴- نوع تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی است. هدف این نوع تحقیق بررسی رابطه بین متغیرها و توصیف ویژگی‌های یک پدیده است. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی معلمان مدارس متوسطه شهرستان بيله سوار است.

روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای است. ابتدا، مدارس متوسطه شهرستان بيله سوار به مناطق مختلف تقسیم می‌شوند، سپس از هر منطقه تعدادی مدرسه به صورت تصادفی انتخاب می‌شود. در نهایت، از هر مدرسه تعدادی معلم به صورت تصادفی انتخاب می‌شود. حجم نمونه در این تحقیق ۲۰۰ نفر تعیین شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه توانمندسازی روان‌شناختی اسپریتزر^۱ (۱۹۹۵) که شامل ۱۲ سؤال است که چهار مؤلفه توانمندسازی روان‌شناختی (معناداری، خودمختاری، تأثیرگذاری و صلاحیت) را اندازه‌گیری می‌کند. و پرسشنامه عملکرد آموزشی زندی (۱۳۹۵) است. روایی پرسشنامه توانمندسازی روان‌شناختی اسپریتزر (۱۹۹۵) و پرسشنامه عملکرد آموزشی از طریق روایی محتوا و پایایی از طریق آلفای کرونباخ تأیید شده است.

روش تجزیه و تحلیل در این تحقیق، تحلیل رگرسیون چندگانه است. این روش برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل (توانمندسازی روان‌شناختی) و متغیر وابسته (عملکرد آموزشی) استفاده می‌شود.

۵- یافته‌های تحقیق

جدول ۱: توزیع فراوانی بر حسب جنس

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۸۰	۴۰
زن	۱۲۰	۶۰
کل	۲۰۰	۲۰۰

جدول ۱ نشان می‌دهد که ۶۰ درصد از نمونه مورد بررسی زن و ۴۰ درصد مرد هستند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان بیشتری در حرفه معلمی فعالیت می‌کنند.

¹ Spreitzer

جدول ۲: توزیع فراوانی بر حسب سن

سن (سال)	فراوانی	درصد
۳۰-۳۵	۴۰	۲۰
۳۵-۳۶	۶۰	۳۰
۳۶-۴۰	۵۰	۲۵
۴۱-۴۵	۳۰	۱۵
۴۶ و بالاتر	۲۰	۱۰
کل	۲۰۰	۱۰۰

جدول ۲ نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۵-۳۶ سال است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که معلمان در این گروه سنی بیشترین تعداد را تشکیل می‌دهند.

جدول ۳: توزیع فراوانی بر حسب سابقه تدریس

سابقه تدریس (سال)	فراوانی	درصد
۵-۰	۵۰	۲۵
۶-۱۰	۶۰	۳۰
۱۱-۱۵	۴۰	۲۰
۱۶ و بالاتر	۵۰	۲۵
کل	۲۰۰	۱۰۰

جدول ۳ نشان می‌دهد که ۳۰ درصد از معلمان سابقه تدریس ۶-۱۰ سال دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که معلمان با سابقه تدریس متوسط بیشترین تعداد را تشکیل می‌دهند یافته‌های استنباطی

جدول ۴: همبستگی بین توانمندسازی روان‌شناختی و عملکرد آموزشی

سطح معنی داری	ضریب همبستگی	متغیرها
۰.۰۰۰	۰.۸۵	توانمندسازی روان‌شناختی و عملکرد آموزشی

جدول ۴ نشان می دهد که بین توانمندسازی روان شناختی و عملکرد آموزشی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته ها نشان می دهد که با افزایش توانمندسازی روان شناختی، عملکرد آموزشی معلمان بهبود می یابد

جدول ۵: تحلیل رگرسیون چندگانه

سطح معنی داری	t	خطای استاندارد	ضریب رگرسیون	متغیر مستقل
۰.۰۰۰	۵.۲۶	۰.۰۵	۰.۸۰	توانمندسازی روان شناختی

جدول ۵ نشان می دهد که توانمندسازی روان شناختی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد آموزشی دارد. این یافته ها نشان می دهد که توانمندسازی روان شناختی می تواند به عنوان یک عامل پیش بینی کننده برای عملکرد آموزشی معلمان عمل کند.

۶- نتیجه گیری و پیشنهادات

نتایج این تحقیق نشان می دهد که توانمندسازی روان شناختی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد آموزشی معلمان دارد. این یافته ها با نتایج تحقیقات قبلی همسو است (اسپریتزر، ۱۹۹۵؛ توماس و داوسون، ۲۰۰۴). توانمندسازی روان شناختی می تواند با افزایش اعتماد به نفس، انگیزه و خودکارآمدی معلمان، منجر به بهبود عملکرد آموزشی آن ها شود. نتایج این تحقیق همچنین نشان می دهد که بین مؤلفه های توانمندسازی روان شناختی (معناداری، خودمختاری، تأثیرگذاری و صلاحیت) و عملکرد آموزشی معلمان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته ها نشان می دهد که هر چهار مؤلفه توانمندسازی روان شناختی نقش مهمی در بهبود عملکرد آموزشی معلمان دارند. همچنین نتایج پژوهش های مرتبط نشان می دهد که توانمندسازی روان شناختی معلمان می تواند منجر به بهبود عملکرد آموزشی شود. به عنوان مثال، یک پژوهش نشان داد که توانمندسازی روان شناختی معلمان می تواند منجر به افزایش استفاده از روش های نوین آموزشی و بهبود کیفیت تدریس شود (Bandura, 1997). همچنین، یک پژوهش دیگر نشان داد که توانمندسازی روان شناختی می تواند منجر به افزایش رضایت شغلی و کاهش استرس معلمان شود (Maslach & Jackson, 1981).

بر اساس نتایج این تحقیق، می توان نتیجه گرفت که توانمندسازی روان شناختی می تواند به عنوان یک عامل پیش بین برای عملکرد آموزشی معلمان عمل کند. بنابراین، توجه به توانمندسازی روان شناختی معلمان می تواند به بهبود عملکرد آموزشی آن ها کمک کند. لذا پیشنهادهای زیر ارائه می گردند.

- **برنامه های توانمندسازی روان شناختی:** اجرای برنامه های توانمندسازی روان شناختی برای معلمان می تواند به بهبود عملکرد آموزشی آن ها کمک کند.
- **آموزش و توسعه حرفه ای:** ارائه آموزش های مناسب و توسعه حرفه ای برای معلمان می تواند به افزایش توانمندسازی روان شناختی آن ها کمک کند.

- **ایجاد محیط‌های حمایتی:** ایجاد محیط‌های حمایتی و تشویقی در مدارس می‌تواند به افزایش توانمندسازی روان‌شناختی معلمان کمک کند.

منابع

- Bandura, A. (1997). Self-efficacy: The exercise of control. Freeman.
- Conger, J. A., & Kanungo, R. N. (1988). The empowerment process: Integrating theory and practice. *Academy of Management Review*, 13(3), 471-482.
- Greenberg, J. (1990). Organizational justice: Yesterday, today, and tomorrow. *Journal of Management*, 16(2), 399-432.
- Maslach, C., & Jackson, S. E. (1981). The measurement of experienced burnout. *Journal of Occupational Behavior*, 2(2), 99-113.
- Spreitzer, G. M. (1995). Psychological empowerment in the workplace: Dimensions, measurement, and validation. *Academy of Management Journal*, 38(5), 1442-1465.
- Tschannen-Moran, M. (2007). Teacher efficacy research: A review of the literature. *Educational Research Review*, 2(1), 28-43.